

تحقیق و تتبع آقای علی اصغر شریف

(شامل يك حکم دیوان کیفر و يك حکم دیوان کشور و استدلال علمی و جالب نگارنده)

قوانین معطله یا مرده

مسائل گوناگون و مباحث بیشماری که در جلسات دادرسی مأمورین شهرستانی در دادگاه دیوان کیفر مورد مذاکره واقع شد در بیجه برای روشن شدن دوره تاریک گذشته و قضاوت تاریخ باز کرد تشریح وضعیت حکومت بیست ساله معایب و مضاری که حکومت سابق از نظر اجتماعی و قضائی در بر داشت . اوضاع سیاسی و طرز وضع و اجرای قوانین ترتیب انتخابات و غیره که هر کدام در جای خود قابل بحث و سخن است .

از جمله مسائلی که در قبال دفاع از دعاری اقامه شده مورد ایراد واقع و در اطراف آن سخنرانها شده است این بود که قوانین دوره گذشته در حکم قوانین معطله یا مرده بوده و قوت و اعتباری برای آنها متصور نبوده است زیرا در جنب اقتدارات رئیس قوه مجریه که فعال مایشاء و مختار مطلق بوده است قوه قضائیه و سایر سازمان کشوری بهیچ وجه نمیتوانستند عرض اندام کنند و چون قوانین دوره سابق قوانین معطله و مرده بیش نیستند و اعتبار خود را از دست داده اند نمیتوان بکسانی که تحت اطاعت و اوامر صرف آن رژیم حکومت بوده و اجرا کننده آن اوامر هستند مورد عقاب و خطاب قرارداد و بعنوان عدم اجرای قوانین تحت تعقیب درآورد : اگر ایرادی وارد است بر رئیس قوه مجریه است که جرأت چون و چرا از اشخاص گرفته و همه کس در مقابل اوامر او اراده اعتراض یا یارای سرپیچی نداشت .

با این بیان می خواستند چنین وانمود کنند که قوای ثلاثه کشور (قوه مقننه - قوه قضائیه - قوه اجرائیه) در يك نفر جمع شده و همه چیز از رئیس قوه مجریه برخاسته میشود ، بنابراین کسانی که اوامر او را اجرا کرده اند ولو اینکه مخالف

صریح هم با قوانین داشته باشد. یا عملیاتی که حسب الامر و بر حسب دستور اجرا شده طبق قانون کیفر عمومی جرم شناخته شود مجریانی که ناگزیر در اجرای اوامر بودند کیفر نخواهند دید.

لحن دیگری که در همین زمینه دفاع شده است این است که در آن دوره مشروطیت تعطیل شده بود و اصل دیکتاتوری که فعال مایشانی بوده است در کلیه شئون اجتماعی و سیاسی کشور حکمفرما بوده است بنابراین چون قوانین هم مجری نبوده است و اراده یک نفر بجای قوانین موضوعه ساری و جاری بوده نمیتوان کسانی را که تبعیت از فرمان چنین شخص و مقامی کرده اند و لو اینکه عملیات آنان در اجرای اوامر با قوانین هم مخالفت داشته باشد مورد تعقیب قرار داد بیان دیگری که زبان زد مدافعین بود این بوده است که: قانون هنگامی قابل اجراست که تعهد آن در میان باشد و چون قوانین ما در دوره گذشته موقوف الاجرا بوده و تعیدی هم با اجرای آن در بین نبوده تعقیب متهمین حاضر باستناد آن مقررات مورد ندارد خلاصه آنکه قوانین معطله یا مرده تا وقتی که احیاء و اجراء آنها مجدداً اعلان نشود قابل تطبیق و ترتیب اثر نبوده و در صورت احیاء و اجراء مجدد هم عطف به سابق نخواهد بود. و با توجه باینکه هیچ عملی را نمیتوان بزه دانست مگر بموجب قوانین موضوعه و جاریه و در موقع ارتکاب ادعائی متهمین قانون مجازات عمومی نیز که مورد استناد واقع شده جزء قوانین مرده بوده و قوانین دیگری هم وجود نداشته است تا بتوان اعمال مزبور را تطبیق به آن نمود لذا افعال منتسب بمتهمین مشمول قانون زنده و جاری نبوده و از این لحاظ مبری میباشند.

ما در این جا در مورد اعتراضات راجع بقوانین معطله دادنامه صادر از دیوان کیفر و حکم صادر از دیوان کشور را عیناً نقل و نظریات و موضوعاتی که در اطراف قوانین معطله حکمفرماست بیان خواهیم کرد:

در دادنامه دیوان کیفر چنین استدلال شده است:

و در این مدت از درجه اعتبار ساقط شده باشد چنانکه فعلاً هم نمیتوان موردی را نشان داد و ثابت نمود که عمداً و بطور رسمی الغاء اصلی از اصول مشروطیت اعلان و پس از آن هم عملاً تعطیل شده باشد و بر فرض اینکه در برخی از مواد آن قانون اساسی یا قوانین دیگر اصلاحی بعمل آمده باشد و یا تغییری داده شده بعنوان مصالح عامه و مقتضیات کشور و با مراجعه بآراء نمایندگان ملت و از مجرای رسمی و با رعایت مراسم و تشریفات صورت گرفته و یا اگر در بعضی از مواقع در انبان و اجراء بعضی از وظائف و تکالیف مربوطه بحکومت مشروطه اعمال نفوذی شده باشد نمیتوان آن را بمنزله الغاء اصول مشروطیت معرفی کرده و دلیلی برای اثبات محو آثار حکومت ملی ارائه نمود زیرا علاوه بر اینکه بموجب اصل هفتم متمم قانون اساسی اساس مشروطیت جزاً و کلاً تعطیل بردار نیست اصول و عناوین هم تابع مراسم و تشریفات علنی و بقاء آن متکی به افکار و عقاید مستقیم یا غیر مستقیم عامه بوده و در نتیجه چون بموجب اصل ۲۶ قانون متمم قانون اساسی کلیه قوای مملکت ناشی از ملت است و طریقه استعمال آن قوا را قانون اساسی معین مینماید تمایلات و اعمال نفوذهای شخصی که قهراً صورت گرفته و یا حوادث موقت که ممکن الوقوع بوده و بزه شناخته شود حکم و تأثیری در این قبیل موارد نداشته و حدوث اینگونه وقایع و تصادفات در همه جا و همه وقت امکان پذیر و بهیچ وجه باعث تغییر عنوان و تعطیل و یا موجب تزلزل اصلی از اصول نگردد.

ثانیاً نظر به تطبیق احکام قوانین منسوخه بر قوانین معطله (مردہ) فرضیه‌ای است که برخی علماء را از روی پاره حوادث و در بعضی از ممالک حاصل شده و هنوز قوه قاعده مطرده و اصل تکمیل را پیدا نکرده و بر فرض تسلیم بدان هم مورد بحث را نمیتوان مشمول آن قاعده دانست چه آنکه اصول استناد شده در این موارد قوانینی است که در سرتاسر دوره گذشته و فعلاً در تمام محاکم جزائی و مراجع قضائی کشور مجری و متبع بوده و قانونی بجای اینها در این کشور وضع و اجرا نشده است.

ثالثاً قاعده قانون معطل یا مرده را در محیطی میتوان قابل اجرا و اتباع فرض کرد که در آن محیط از مدهای متمادی قوانین وضع و اجرا شده و حتی بدرجه کمال رسیده باشد ولی دوره بیست ساله گذشته در این کشور موقعی آغاز شده که قوانین لازمه مرحله بدوی وضع و آزمایش را پیموده و حتی خود قانون مجازات عمومی هم مثل اغلبی از قوانین که فعلاً متداول و معمول به است در همان دوره وضع و تصویب شده و یکی از ممیزات بارز آن دوره جد و جهد بلوغ در وضع و تصویب قوانین و احراز کامل در اعمال و اجراء آن و بویژه قانون مجازات عمومی و آئین دادرسی کیفری بالاخص قوانین دیوان کیفر بوده و با این حال و بجهت دیگری مجالی برای قبول این نحوه دفاع تالی نبوده و ارزش قضائی ندارد ..»

دادنامه دیوان کشور شماره ۴۰ تا ۴۴ مورخه ۲۷/۱/۲۲ چنین نگاشته

شده است :

« اعتراض عده از متهمین باینکه (قوانین مورد استناد دادگاه چون در دوره سلطنت اعلیحضرت شاه سابق متروک و غیر معمول بوده و قوت و اعتبار قانونی آن قوانین از بین رفته اعمال انتسابی بآنها بر فرض تحقق بزه محسوب نمی شود تا قابل تعقیب کیفری شناخته شود) نیز غیر وارد است چه پس از گذشتن قانونی از تصویب مقامات صالحه و طی تشریفاتى که برای لازم الاجرا شدن قوانین مقرر است اصولاً مدلول آن قوانین لازم العمل میباشد و در قوانین موجوده برای متروک بودن قانون عنوانی نیست و بلکه بر حسب اصول و قواعد چنانکه در ماده ۴۳ قانون کیفر عمومی و دیگر مواد مربوط اشعار گردید مرتکب اعمالی را که قانون بزه و مستوجب کیفر قرار داده نمیتوان از کیفر معاف دانست مگر بموجب قانون خاصی که در این مورد چنین قانونی وجود ندارد و بعلاوه بطوریکه دادگاه در حکم خود اشعار داشته در همان دوره هم قوانینی لازم العمل و مجری بوده و تخلف

مأمورین از وظائف خود در پاره موارد موجب سلب قوت و اعتبار قوانین نخواهد بود...»

بنابراین ملاحظه میشود که دیوان کشور بملاحظه اینکه با اصول و قوانین سروکار دارد میگوید چون عنوانی برای مترک ماندن در قوانین ما پیش بینی نشده و موجود نمیباشد اعتراضات را نمیتوان پذیرفت و خلاصه باستناد اینکه هر عنوانی باید در قوانین موضوعه موجود باشد تا قابل استناد گردد و الا نمیتوان اعتنایی باین اظهارات کرد.



در هر حال مراجع قضائی ایران بدلائلی که در فوق مذکور افتاد عنوان قوانین معطله را مردود دانسته اند و باز میتوان استدلال کرد که صرف تجاوز قوه از حدود اختیارات خود موجب نمی شود که بگوئیم مشروطیت تعطیل شده است تا وقتی که ملت از حق حاکمیت خود بکلی اعراض نکرده و مقید باجرا قوانین است نمیتوان گفت که رژیم تغییر کرده است: حق حاکمیت ملت محفوظ مانده و مردم از حقوق اساسی خود اعراض نکرده بودند تا اظهار عقیده به تعطیل مشروطیت درست باشد.

مقررات مرده یا متروکه آن نیست که برای عده معدودی غیر مجری باشد یعنی امری نسبی یا شخصی نیست و گرنه باین نتیجه میرسیم که بگوئیم هیچ قانونی زنده نیست زیرا در هر کشوری عده هستند که قوانین را رعایت نمی کنند و بعلمی مدتی از تعقیب برکنار میمانند.

در علم حقوق ثابت نشده که اگر قانون مدتهای مدیدی اجرا نشود و عاداتی مخالف آن در کشور معمول گردد آن قانون منسوخ خواهد بود علماء حقوق مینویسند: « غیر مجری ماندن يك قانون نشان میدهد که مقامات مربوطه در انجام وظایف خود مسامحه و غفلت روا میدارند البته آن روزی که قوه مجریه از حال مسامحه بیرون آید میتواند قانون را اجرا نماید ».

وقته در اجرای قانون موجب از بین رفتن آن نیست

بعضی از دانشمندان حقوق که عدم رعایت قوانین را مجاز دانسته اند وقتی است

که استقلال و تمامیت کشور اقدامات خاصی را ایجاب مینماید:

وقتی است که دولت از نظر حفظ استقلال و تمامیت خود مجبور شود دست

باقدمات استثنائی بزند البته در این گونه موارد این اقدامات ممکن است با مقررات

کشوری وفق پیدا نکند یا ممکن است در طول مدتی که بیم حوادثی می رود که با

تمامیت کشور تماس پیدا کند دولت قوانین خاصه را زیر پا بگذارد در حقیقت در این ایام

است که قانون متروک مانده و در عداد قوانین مرده میتوان محسوب داشت پس

این استثناء را نمیتوان در موارد دیگری که حق حاکمیت ملت محفوظ باشد ولی

تقید با اجرای بعضی قوانین بواسطه علل خاصی از بین رفته باشد تسری داد و همچنین

نمیتوانیم بگوئیم هر وقت تشنجاتی در ارکان قوای مملکتی روی داده و تا وقتی که استقرار

کامل حاصل نشده قوانین موضوعه صورت مرده را بخود گرفته و متجاوزین بحق دیگری

بعلت و کود ارکان حق حاکمیت مصون از تعرض و تعقیبات کیفری هستند.